

سبقت‌گویی و بزرگویری علیه السلام

با تبریک و تهنیت به مناسبت ایام عید الله الاکبر به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همچین عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس بی بی دو عالم فاطمه زهرا سلام الله علیها و رسول اکرم صلوات الله علیه و وجود مقدس امیر المومنین علیه السلام .

عیدی فرا می رسد که همه انبیاء و اولیاء مسرورند، همه فرشتگان و ملائکه خدای متعال شادند و عیدی است که همه مؤمنین عالم از ابتدای تاریخ تا انتهای قیامت چشم دل به این عیدالله الاکبر دارند .

عید اعلام ولایت امیرالمؤمنین از طرف رسول خدا صلی الله علیه و اله به همه عالمیان. روز معرفی شخصیتی که رسول اکرم می فرماید: به برادرم علی فضائلی داده شده است که از فراوانی به شماره در نمی آید. پس هر کس فضیلتی از فضائل او را یاد آورد در حالی که بدان اعتراف دارد خداوند گناهان گذشته و آینده او را ببخشد و هر که فضیلتی از فضائل او را بنگارد مادامی که نشانی از این نگارش باقی است فرشتگان برای او طلب غفران کنند و هر کس به فضیلتی از فضائل او گوش سپارد خداوند برگناهان شنیداری او پرده عفو کشد و هر که به نگاشته ای در فضائل او نظر بیفکند خداوند گناهان چشم او را ببخشد (1)

این حدیث و دهها حدیث مشابه که ذکر فضایل و مناقب امیرالمؤمنین است گویای این واقعیت است که امیرالمؤمنین علیه السلام تنها یک شخصیت تاریخی نیست که یک روزی به دنیا آمدند و عمر مبارکشان ۶۳ سال بود و روزی هم به شهادت رسیدند و با شهادتشان پرونده وجودشان بسته شد. امیرالمؤمنین علیه السلام از ابتدای خلقت امیرالمؤمنین اند و تا روز قیامت امیر همه مؤمنان هستند . پیامبر صلی الله علیه و اله دستور می دهند آنچه در خطبه غدیر راجع به ایشان می فرمایند، حاضرین به غائبین بگویند، نسلها زبان به زبان به آینده برسانند که ایشان مولا هستند نه فقط مولای مؤمنین زمان خودشان بلکه مولای همه متقیان و مولای همه مؤمنین عالمند.

در این حدیث حضرت می فرمایند: انا ابوالیتامی. من پدر یتیمان هستم. حدیث نبوی هم نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و اله می فرمایند: « انا و علی ابوا هذه الامه ». این حدیث در کتاب بحار الانوار مرحوم مجلسی ج ۱۶ ص ۳۱۴ - ج ۲۳ ص ۲۹۵ - ج ۲۶ ص ۳۴۲ - ج ۳۶ ص ۲۵۵ و ۱۱ - ج ۶۶ ص ۳۴۳ - تفسیر الامام ص ۳۳۰ - صراط المستقیم ص ۲۴۳ ج ۱ - معانی الاخبار ۵۲ - علل الشرایع ج ۱ ص ۱۲۷ - عیون الاخبار ج ۲ ص ۸۵ - کمال الدین ج ۱ ص ۲۶۱ - مناقب ج ۳ ص ۱۵ - مشابه القرآن ج ۱ ص ۲۲۹ آمده است.

با توجه به مطلب و مدارک فوق در می یابیم که رسول الله و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و الهما مقام پدری دارند. مقامی که فقط مربوط به آن برهه تاریخ نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام پدرند و مقام پدری دارند. می خواهیم در این باب کمی توضیح دهیم که این توضیح را با مثالی بیان می داریم حقیقتاً نقش پدر در زندگی انسان چیست؟ پدر داشتن و نداشتن چه تفاوتی را در شخصیت انسان ایجاد می کند؟

(1) مناقب خوارزمی / ۲

آسیب پذیر ترین افراد اجتماع بشری ایام هستند. کسانی هستند که زیر پر و بال پدر و مادر زندگی نکرده اند. خوب که بنگریم تفاوت‌های زیادی بین بچه های با پدر و بچه های یتیم و بی پدر می بینیم. بچه ای که پدر دارد شادابی بازیش زمین تا آسمان با بچه ای که پدر ندارد فرق می کند. بچه ای که پدر دارد اگر در خیابان با یک خطری یا سگی مواجه شد چون پشت سرش پدر را احساس می کند وحشت نمی کند، احساس تنهایی نمی کند، ترس بر او غلبه نمی کند. نور امیدی در دلش احساس می کند. ولی بچه ای که پدر ندارد حتی در مواقع تنهایی هم احساس ترس و وحشت می کند چه رسد به اینکه با خطری مواجه شود.

پدر پشتوانه شخصیت فرزند است و در شکل گیری آن تأثیر بسزایی دارد. بچه ای که پدر دارد از اعتماد به نفس زیادی برخوردار است. آینده روشنی را جلوی چشمش می بیند. اگر به تحصیلش فکر کند در سایه حمایت پدر خود را موفق می داند. اگر به شغلش بیندیشد پشت و پناهی را احساس می کند که به او تکیه می کند و آینده اش تأمین می شود. ولی بچه بی پدر هیچ آینده ای را برای خود نمی بیند، اعتماد به نفس ندارد، معمولاً در تحصیل موفق نمی باشد. حتی در بیماری ها بچه ای که پدر دارد زودتر بهبود می یابد تا بچه ای که فاقد این امکانات باشد. نوع بچه هایی که در خانواده بزرگ نشده اند برخوردهای اجتماعی، ضوابط، روابط و الزامات زندگی اجتماعی را نمی دانند، یادنگرفته اند. لذا معمولاً در اجتماع افراد مطرودی خواهند بود. آنها نوعاً مغلوب جو جامعه هستند و شاید قربانیان جامعه اند. اگر کسی بخواهد مشکلات و دردهای یک بچه یتیم را درمان کند چه کند؟ برای بیماری های جسمی او به پزشک مراجعه کند؟ یا الویت باروح فرزند است و باید اولاً او را پیش روانپزشک ببرد؟ یا نه اولویت در رسیدگی به وضع تحصیل اوست؟ و یا تدبیرهای دیگر؟ اما همه می دانیم که بهترین خدمت به این فرزند گذاشتن دست او در دست پدرش می باشد. داشتن پدر برای او داشتن همه چیز خواهد بود. مشکل او که یکی دوتا نیست اولی حل شد دومی از راه می رسد دومی حل شد سومی قد علم می کند ولی بدانیم درمان او رساندن او به پدرش و ویش می باشد. بلای حاضر در اجتماع هم الآن همین است. حل شدن فقر در اجتماع حل همه بدبختیها نیست. اگر مشکل اعتیاد حل شد معنی آن این نیست که دیگر در جامعه تلخی احساس نمی شود. فساد و فحشاء یکی دیگر از نکتهایی است که با حل شدن آن همه چیز درست نمی شود.

مگر در عصر حاضر فاصله ها کم نشده؟ وقتها صرفه جویی نمی شود؟ یک روز رفت و آمد و سرزدن به اقوام تبدیل به یک دقیقه تلفن شده، یک نیمروز نشستن سر تشت رختشویی تبدیل به فشار دادن یک دکمه شده، زحمت زیاد آب کشیدن از چاه تبدیل به بازکردن بی زحمت شیر آب شده و رایانه، ظرفشویی، جاروبرقی، تلویزیون، ماهواره، تلفن، اینترنت و همه همه مگر برای راحتی اختراع نشد؟ مگر برای احساس آسودگی و امنیت ابداع نشد؟ پس چرا هنوز احساس تنگی و تلخی می کنیم؟ چرا هرچه قدر پول جمع می کنیم باز احساس بی پناهی داریم و

درد ما درد بی پدری است ما از ولیمان دور افتاده ایم، تحت سرپرستی پدر زندگی نمی کنیم. اگر بدبختیم از در خانه پدر دور افتاده ایم. خدا لعنت کند آنکه ما را از در خانه ولی و سرپرستان دور کرد. مثال ما دقیقاً مثال بچه بی پدریست که انواع و اقسام مشکلات رفتاری روحی روانی را دارد مادامی که دستمان را در دست پدر حقیقی مان نگذاریم و تحت ولایت و سرپرستی او زندگی نکنیم دردهایمان درمان نمی شود. مشکلاتمان حل نمی شود. تلخی های زندگیمان به شیرینی مبدل نمی شود.

خدای متعال بعد از معرفی ولایت و سرپرستی امیرالمؤمنین علیه السلام توسط پیامبر می فرماید: « الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا » امروز کامل کردم برای شما دینتان را و تمام کردم بر شما نعمتم را و راضی شدم برای شما دین اسلام را.

قبول اُبوت و مولویت امیرالمؤمنین علیه السلام برای شخص مؤمن کامل شدن دین اوست و تمام شدن نعمت خدای متعال و رضایت او از دین انسان می باشد. حضرت زهرا سلام الله علیها به برخی از زنها فرمودند: « خوشنود گردانید پدران دینی خود را که محمد و علی صلوات الله علیهما و الهما باشند، اگرچه به سخط و خشم پدران نسبی بیانجامد و راضی نشوید سخط پدران دینی خود را به رضایت پدران نسبی خود زیرا اگر بر پدران نسبی خود خشم گرفتید محمد و علی علیهما السلام به ثواب جزیبی از هزار هزار جزء ساعت طاعاتشان آنها را راضی می گردانند، اما اگر بر پدران دینی خود بد کردید پدران نسبی شما قادر به خوشنود کردن آنها نمی باشند زیرا ثواب طاعات اهل دنیا برای دفع سخط آن دو کافی نیست »⁽¹⁾.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مسئله را از این هم مهمتر مطرح می فرماید ایشان ضمن حدیثی به امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره کردند و فرمودند: ولی این ولی خداست پس دوستی و سر سپردگی و سر پرستی او را بپذیر و دشمن این دشمن خداست پس با او دشمنی کن ولایت (دوستی ، سرپرستی و سر سپردگی) ولی این را بپذیر اگر چه قاتل پدرت و فرزندت باشد و با دشمنش دشمنی کن اگرچه پدرت و یا فرزندت باشد⁽²⁾.

– خدایا در این ایام الولایه در روزهای خوب غدیر دست ما را در دست پدرمان امیرالمؤمنین علیه السلام قرار بده .

(1) بحار / ج ۲۳ / ص ۲۶۱ – تفسیر منسوب للعسگری ص ۳۴۴

(2) بحار ج ۲۷ / ۵۴ – ج ۶۶ ص ۲۳۶